

کتاب

تعصب، ماهیت و پیامد های آن

قسمت بیستم

فصل چهارم

تعصب سنت و مدرنیته:

جامعه شناسان خاصاً جامعه شناسان غربی جوامع قدیمی انسانی را جوامع سنتی و جوامع امروزی جامعه انسانی را جوامع مدرن و یا در حال گذار به مدرنیته تفکیک میکنند، همچنان این جامعه شناسان جوامع در حال گذار به مدرنیته یا پست مدرن را جوامع بحران زا که در پهلوی سایر بحران‌ات اجتماعی - سیاسی به بحران هویت نیز مبتلا میباشند، قلمداد میکنند. در جوامع سنتی همه مردم در دفاع از ارزشهایی بودند که از زمانه هایی خیلی دور به آنها به میراث رسیده بود. چیزی که گوهر مدرنیته را تشکیل می‌دهد، یک نوع خاصی از عقلانیت است که به آن عقلانیت انتقادی می‌گویند. ناگفته نماند که جامعه سنتی هم مبتنی بر عقلانیت بوده، اما عقلانیت دوران سنت ها نه انتقادی بلکه تفسیری بود و است که بوسیله آن جهان و ماحول انسان را در پیوند با انسان با درنظر داشت شریعت و وحی تفسیر میکردند. اما مدرنیته در پی تغییر و تکامل کمر بسته است. همه مفاهیم دوران سنت ها کاملاً مردود و همه شاخص های اجتماعی به شمول ادیان و باور ها مفاهیم جدید پیدا کرده اند یعنی دیگر عقل سنتی وابسته به شریعت، وحی و تفاسیر وجود و ارزش ندارند.

با آنکه دین اسلام را دین کامل و برآورنده ساز تمام نیاز های بشری تا آخرالزمان میدانستند. اما آنچه پیشوایان امروزی اسلام فهمی از دین اسلام ارائه میدهند که با ماهیت اصلی قرآن و آن فهم دین سنتی چه در عرصه اداره و نظام اجتماعی، حقوق انسانی، نقش علوم اجتماعی و ساینسی و اخلاقیات در مغایرت تام قرار دارد و ایدیالوگ های مدرنیته و طرفداران مدرنیسم دیگر به اثبات اعتقادات و باور های دینی وقعی نمیگذارند و آنرا در حوزه عقل بی معنی پنداشته و دین را که گفته میشود خداوند فرستاده است برای عبودیت و بندگی و تأمین رابطه بین خدا و بندگانش است پس هیچنوع جنبه اجتماعی نداشته و نه برای اداره جامعه و حاکمیت مطمع نظر دارند.

در جوامع سنتی هم دولت و هم نهاد های اداره و نظم عامه مشروعیت شان را از دین گرفته شرعیت حیثیت قانون ومقررات را داشت، در حالیکه در دوران مدرنیته اداره دولت و نهاد های رهبری کننده جامعه مشروعیت شان را از مردم گرفته و قوانین مدرنیسم بر مبنای تحلیل منطقی جامعه بر پایه عقل و دانش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی تدوین وهیچ رابطه و ظابطه با شرعیت و دین ندارند. قبل بر آنکه در باره تعریف، چگونگی موجودیت تعصب سنت و مدرنیته یا مدرنیسم در جوامع بشری و خاصاً در افغانستان بپردازم مفید میپندارم تا توضیحی در باره سنت و مدرنیته ارائه کنم تا مرور کنندگان این سطور نخست درک جامع از سنت و مدرنیته داشته باشند و متعاقب آن تعصب در این حوزه اهم اجتماعی را بشناسند.

سنت چیست؟:

سنت در زبان عربی راه و روش را معنی میدهد و در زبان انگلیسی به آن ترادیشن Tradition گفته میشود که سنت گرایی را ترادیشنالیسم Traditionalism میگویند. دانشمندان علوم اجتماع سنت را به معنی سیره عملی یا رفتار و کردار ومجموعه ازسلوک، آداب، رسوم، باور ها و عادات فرد و یاگروهی از مردم میدانند. بیشتروجود سنت ها را به مفاهیم استمرار و ثبات در اجتماع تأکیداً میپندارند. آنها سنت ها را مجموعه خرد جمعی بسیار ارزشمند دانسته که دلیل ماندگاری آنها هم معنای بسا ارزشی آن در اجتماع تا نقش قدسیت آن در میان مردم نسل به نسل میپندارند که گروه های از مردم بمتابه نسل های بعدی بصورت ناخود آگاه بنابرارزشمندی این سنت ها در حوزه زندگی و معرفه اجتماعی، آنها سر چشمه رفتارهای خویش قرارداده و حفظ انتقال سنت ها را بقای نسل خویش دانسته و در حفظ و انتقال مستمر آن پافشاری دارند و این میراث داری در بعضی جوامع انسانی و در بسا موارد به برخورد ها و تصادمات خونین می انجامد. همچنین سبک، شیوه زندگی و مخصوصا روش ها و فنونی که امکان موفقیت گروهی را در محیط خاص فراهم ساخته اند، از طریق مردم چون سنت های ماندگار به نسل های مابعد انتقال می یابند، لیکن چون تجربه گروه هایی از مردم تنها محدود به موفقیت های مادی آنان نیست، سنت، انتقال تجربه اجتماعی و معنوی گروه و همچنین مجموعه آداب و رسوم، باورها، ارزش ها و آرمان های ناب را نیز موجب می شود. به این بیان، سنت مجموعه ای از میراث علمی و عملی و تجارب بازمانده از گذشته دور و نزدیک مذهبی و یا غیر مذهبی یعنی عنعنوی همراه ما با مردم یک خطه در زندگی، اعمال و دیدگاه ها، حضور دارند.

ماکس وبر فیلسوف و جامعه شناس آلمانی (۱۸۶۴ - ۱۹۳۰) سنت را مأخذ عملی میداند که مشخص، محدود، روزمره و عادی است که از روایات مقدس اخذ شده و به رفتار عمومی مبدل گشته است.

قابل ذکر است که میان سنتها می توان تفکیک قائل شد. بطور مثال سنتهای دینی از قوت و نفوذ بیشتری در جامعه برخوردارند و یکی از اجزای اصلی سازنده فرهنگ و هویت جوامع انسانی اند و بعضا تغییرات در این حوزه بسیار کند و اندک میباشد. باید دانست که زندگی و فرهنگ امریست که انسان یا جامعه را در راه رسیدن به افقهای آینده رهنمون میگردد که از سنت ها بهره می برد اما تکامل جامعه انسانی نشان میدهد که این زندگی و فرهنگ تنها در سنتها باقی نمی ماند. سنتها در جوامع مختلف با توجه به منابع گوناگون، متغیر و حتی در یک جامعه با تکرارهای قابل توجهی مواجه اند و این خود حاکی از ذات تغییر پذیر و تکامل پذیر سنن، عادات، آداب، رواج ها و رسوم است. بقول نظریه پردازان جوامع سنتی سنت رویکرد فلسفی به جهان، انسان، خدا و روابط میان آنهاست و سنن ناشی از قراردادهای و اعتبارات است که البته بعضا برگرفته از تفاسیر خاص از روابط مذکور است.

اما سنت از منظر علمای دینی خاصاً علمای اسلام عبارت از مجموعه مقررات و اصولی است که از منابع فرابشری یعنی خداوند الهام گرفته و بر حکمت الهی تکیه دارد. علمای دینی به این نظر اند که در سنت هیچنوع نادرستی، کمی و کاستی وجود نداشته و پیوسته ناظر بر خیر بشر بوده و پویایی را توصیه میکند. نا گفته نماند که علمای دینی مخالف مفاهیم جامعه شناسانه سنت بوده و سلوک، آداب، رسوم و عنعنات غیر دینی مردم را مردود میشمارند. آنها به این نظر اند که: اغلب مقررات و سنن که در این جوامع بشری نسل به نسل استمرار یافته است، همه با هدف تنظیم روابط دنیوی فردی و اجتماعی جعل شده است. اگرچه در برخی از جوامع، پدیده ای مانند ادیان شرک و حتی ادیان بسیار سطحی هم ساخته و پرداخته حُکام یا حداقل تحت سلطه و سیطره آنان است و حتی قوانین خود آن دین نیز اغلب در صدد برآورده کردن خواست های دنیوی مردم از طریق جلب نظر عوامل ماورای طبیعی جهت دفع شرور و رفع نیازهای دنیوی است. به این ترتیب، این دسته از جوامع، ماهیتا سکولار (غیر دینی) هستند و علمای ادیان ابراهیمی آنها را مردود میشمارند.

همچنان علمای دین اسلام به این نظر اند که دین اسلام نه تنها با رکود و سکون و عدم تحرک مخالف است، بلکه با ارائه آرمان هایی که به عنوان غایات و مقاصد مطلوب انسان و هدف نهایی زندگی انسان محسوب می شوند، انسان ها را به حرکت و تکاپو در جهت دستیابی به آنها دعوت کرده و به سبقت گرفتن از همدیگر

در مقام به دست آوردن امتیازات مثبت جدید و فضایل اخلاقی و گره گشایی از مشکلات همیشگی و نوپدید جامعه، دعوت میکنند و در این پروسه پیشگامان را مقربین دربار خدا معرفی میدارند. از این رو به روش اخلاقی و رفتاری اولیای دین هم سنت گفته می شود و سنت افراد با دیانت و پاکان همچو سرمشق همگانی مورد پذیرش قرار گرفته و نسل به نسل امتداد میابد. همچنان اقوال قرآنی و احادیث پیغمبر بزرگ اسلام محمد مصطفی را نیز سنت می نامند و این سنت را سنت ابدی و تغییرناپذیر و حکم الهی شمرده و اطاعت آن برای همه مسلمین الزامی میشمارند. همچنان این نظریه پردازان به قوانین حاکم بر جامعه و نظام بشری و روابط اشیا و تحولات تاریخی، سنت میگویند و چون هستی، آفریده خداست و نظام و قوانینی را در جهان میان اشیا و حوادث و تحولات قرار داده و این قوانین، همیشگی و همه جایی و تغییرناپذیر است، همه آن ها راسنت های الهی مینامند.

ادامه دارد